

اهداف فرازمانی و فرامکانی قیام امام حسین علیه السلام

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر ذاکری*

اشاره

نهضت‌ها و حرکت‌های انقلابی که در سطح جهان رخ داده، گاهی منطقه‌ای و گاه محدود به یک کشور با اهداف ملی است. گاهی نیز یک حرکت انقلابی در عین اینکه در منطقه‌ای خاص رخ می‌دهد، اهداف مهمی دارد که مخصوص مکان و زمان و عصری خاص نیست. چنین اهدافی برای آزادی‌خواهان جهان که در هر عصری دست به قیام می‌زنند، الگوست. بسیاری از حرکت‌هایی که داعیه جهانی داشتند، معنویت و ارزش‌های انسانی را مد نظر نداشته و الگو قرار نگرفتند. قیام امام حسین علیه السلام اهدافی عالی و کلی را در نظر داشت که در هر زمان و مکانی الگوست؛ زیرا ارزش‌های انسانی و ملاک‌های الهی را مورد توجه داشت و برای رسیدن به آن، از جان خود گذشت، با ستمگری مبارزه کرد که به ارزش‌ها بها نمی‌داد و شرایط لازم را برای حکمرانی نداشت. جهاد امام علیه السلام مصداق جهاد افضل

* عضو هیئت علمی پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

در این سخن پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ است: «أَفْضَلُ الْجِهَادِ كَلِمَةُ عَدْلٍ عِنْدَ سُلْطَانٍ جَائِرٍ يُقْتَلُ عَلَيْهِ:»^۱ برترین جهاد، سخن حقی است در برابر سلطان ستمگر که به جهت آن کشته شود». امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام در مسیری حرکت کرد که با حفظ ارزش‌ها، باعث بیداری مردم زمان خود شد و همان مقطع قیام‌های متعددی مانند قیام توابین، قیام مردم مدینه و مختار را به دنبال داشت. این حرکت در طول تاریخ بیش از ۱۳۰۰ ساله خود، نمونه‌ای از یک حرکت ارزشی و الهی تلقی شده و برای تمام نهضت‌های مردمی، منطقه‌ای و جهانی که آشنای به مکتب حسینی بودند، درس آموز بوده و می‌باشد؛ چه آنان که با حاکمان ستمگر مبارزه کرده‌اند و چه افرادی که با دشمن خارجی و استعمار بیگانه به ستیز برخاسته‌اند. امام خمینی رَحِمَهُ اللهُ عبارت «کل یوم عاشورا و کل ارض کربلا» را سخنی بزرگ و مهم دانسته، حرکت ملت ایران در این زمان را مصداق روز عاشورا و ایران را سرزمین کربلا دانسته و فرموده است: «همه زمین‌ها باید این نقش را در مبارزه با ستم ایفا کنند».^۲ این جمله، تبیین‌کننده درس فرا زمانی و فرا مکانی از نهضت حسینی است. بنابراین لازم است با اهداف چنین قیامی که در روح تاریخ جریان دارد، آشنا شویم. در این مجال برخی اهداف مهم آن را با شواهدی از سخنان و سیره حضرت بیان می‌کنیم.

اهداف مهم قیام امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام

۱. خدامحوری

قیام امام حسین عَلَيْهِ السَّلَام برای مسائل دنیوی نبود؛ بلکه توجه به توحید و معنویت

۱. فضل بن حسن طبرسی؛ مجمع البیان فی تفسیر القرآن؛ ج ۲، ص ۷۲۱.

۲. سید روح الله موسوی خمینی؛ صحیفه امام؛ ج ۱۰، ص ۱۲۲.

و ارزش‌های دینی، محور قیام حضرت بود. این هدف نهضت امام علیه السلام را از محدوده زمانی و مکانی خارج می‌سازد؛ زیرا هدفش توجه به مادیات و امور فنا شدنی نبوده است. امام علیه السلام در اعمال و رفتارش، خدا را در نظر داشت و مردم را به خدا و قیامت دعوت می‌کرد. کسانی که در کنار او باقی ماندند، انسان‌های وارسته و مردانی الهی بودند که هدفش را به خوبی شناختند. آنان که به او پیوستند، از خصلت اخلاص و خدامحوری برخوردار بودند؛ چه افرادی مانند زهیر بن قین و چه شخصیتی مانند حر بن یزید و چه سی و دو نفری که در شب عاشورا به اردوگاهش پیوستند.^۱ مردان با اخلاص و معنویت‌گرا در کنارش باقی ماندند. توماس کارلایل گوید:

بهترین درسی که از تراژدی کربلا می‌گیریم، این است که حسین و یارانش ایمان استوار به خدا داشتند. آنها با عمل خود روشن کردند که تفوق عددی در جایی که حق با باطل روبه‌رو می‌شود، اهمیت ندارد.^۲

امام و یارانش توجه به خدا و معنویت را در شب و روز عاشورا به اوج رساندند. تمام شب عاشورا به نماز، تسبیح، استغفار، دعا و تضرع مشغول بودند.^۳ ما که هر سال برای آن حضرت عزاداری می‌کنیم و در پرتو آن با معارف اسلامی آشنا می‌شویم، باید سیره امام علیه السلام را در توجه به خدا و مسائل معنوی الگوی خود قرار دهیم؛ چرا که حضرت فرمود: «فَلَكُمْ فِيَّ أُسْوَةٌ؛ پس من برای شما الگو هستم».

۱. علی بن موسی ابن طاووس؛ *اللهموف علی قتلی الطفوف*؛ ترجمه احمدی فهری زنجانی؛ ص ۹۴.

۲. سید عبدالکریم هاشمی نژاد؛ درسی که حسین علیه السلام به انسان‌ها آموخت؛ ص ۲۹۰.

۳. احمد بن یحیی بلاذری؛ *أنساب الأشراف*؛ ج ۳، ص ۳۹۴.

۴. محمد بن جریر طبری؛ *تاریخ الطبری*؛ ج ۵، ص ۴۰۳.

۲. دین‌مداری

مدار حرکت امام حسین علیه السلام قوانین الهی و قیامش برای حفظ اسلام و پاسداری از آن بود. در سراسر نهضت حسینی، ارزش‌های دینی مشاهده می‌شود. یکی از علل قیام حضرت پاسداری از اصول بنیادین اسلام بود. نمونه‌های متعددی از سیره حضرت در این باره می‌توان ارائه کرد.

۱. اعتراض به بی‌توجهی به قوانین الهی: امام حسین علیه السلام در خطبه‌ای در جمع بزرگان اسلام که با توصیه به امر به معروف و نهی از منکر آغاز می‌شود، آنان را به پایبندی به مسائل دینی و پاسداری از ارزش‌های الهی توصیه می‌نماید: «قَدْ تَرَوْنَ عَهْدَ اللَّهِ مَنْقُوضَةً فَلَا تَفْرَعُونَ وَأَنْتُمْ لِبَعْضِ ذِمَمِ آبَائِكُمْ تَفْرَعُونَ^۱ شما می‌بینید که عهدهای الهی نقض می‌شود و در برابر آن نگران نمی‌شوید، اما در برابر پیمان‌های پدرانتان نگران می‌گردید».

دین‌مداری و دغدغه حفظ قوانین دینی، سبب شد در زمان معاویه مردم را به مسائل دینی توجه دهد و برای نقض دستورات الهی و خطری که جامعه با آن روبه‌روست، وجدان‌های خفته را نهیب زند تا بیدار شوند، اما گویا مردم این وظیفه خود را از یاد برده بودند.

۲. لزوم مبارزه با حاکم فاسق: امام حسین علیه السلام در اولین دیدارش با حاکم مدینه و در پاسخ به مروان بن حکم که خواستار گرفتن بیعت اجباری برای یزید بود، علت بیعت نکردن خود را پایبند نبودن یزید به مسائل دینی دانست و فرمود:

«إِنَّا أَهْلُ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَ مَعْدِنُ الرَّسَالَةِ وَ مُخْتَلَفُ الْمَلَائِكَةِ ... وَ يَزِيدُ رَجُلٌ فَاسِقٌ

۱. ابن‌شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۳۸.

شَارِبِ الْخَمْرِ قَاتِلِ النَّفْسِ الْمُحَرَّمَةِ مُعَلِّنٌ بِالْفِسْقِ وَ مِثْلِي لِأَيَّامٍ يَمِثُّهُ: ^۱ ما اهل بیت نبوت و جایگاه رسالت و محل رفت و آمد ملائکه هستیم ... در حالی که یزید مردی فاسق، شراب‌خوار و کشنده نفس مورد احترام است و فسق را آشکار نموده و شخصی مانند من با او بیعت نمی‌کند.»

در این سخنان تصریح شده که یزید به عنوان خلیفه مسلمین، نه تنها دین‌مدار نیست؛ بلکه فاسق و معصیت‌کار و متجاوز به حقوق دیگران است و نمونه‌هایی از خلاف‌های شرع وی را بیان می‌کند. زمخشری فسق را به معنای خروج از فرمان الهی می‌شمارد و می‌افزاید: «كَانَ يَزِيدٌ فِسْقِيًّا خَمِيرًا وَلَمْ يَكُنْ لِلْمُؤْمِنِينَ أَمِيرًا» ^۲. یزید مردی بسیار فاسق و شراب‌خوار بود و او برای مؤمنان امیر نبود.»

عرق دینی امام حسین علیه السلام و مبارزه با بی‌دینی و بی‌حرمتی به قوانین اسلامی توسط حاکم وقت، او را وادار به قیام کرد. کسانی که در شرق و غرب عالم به دنبال حفظ ارزش‌های دینی هستند، باید از مکتب امام حسین علیه السلام درس بیاموزند و در برابر انسان‌های فاسد و فاسق به ستیز برخیزند و اصالت‌های دینی را پاس دارند.

۳. حق‌مداری

مبارزه حق و باطل در طول تاریخ وجود داشته و در هر مقطع از تاریخ بوده و اکنون نیز ادامه دارد. اهل ایمان، طرفدار حق و در راه حق، فداکاری می‌نمایند. امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: «حَقٌّ وَ بَاطِلٌ وَ لِكُلِّ أَهْلٍ ^۳ حق و

۱. علی بن موسی ابن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ترجمه احمد فهری زنجانی؛ ص ۲۳.

۲. محمود بن عمر زمخشری؛ أساس البلاغه؛ ص ۴۷۳.

۳. محمد بن محمد مفید؛ الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۱، ص ۲۴۰.

باطلی وجود دارد و برای هر یک طرفدارانی است». انسان باید در مبارزه همیشگی و بدون محدودیت زمانی و مکانی بین حق و باطل، طرفدار حق باشد و بتواند حق را از باطل تشخیص دهد. از اهداف قیام حضرت برپایی حق و مبارزه با باطل بود؛ قیامی که حقانیت خود را با خون سرخ به اثبات رساند و ملاک‌های حق را توجه به دستورات الهی و پایبندی به آن معرفی کرد؛ چیزی که یزید از آن به‌دور بود. بی‌توجهی جمعی به حق، زمینه را برای فداکاری افراد حق‌طلب برای بیان حقوق و فرامین الهی فراهم می‌سازد و گاهی برای احیای حق، چنان به مبارزه بر می‌خیزند که منجر به شهادت آنان می‌شود. امام حسین علیه السلام در سخنی مردم را به این نکته توجه داد که چون امروز به حق عمل نمی‌شود و به آن بی‌توجهی می‌گردد، انسان مؤمن خواهان فداکاری و شهادت در راه حق است تا از این طریق مردم را بیدار و به دفاع از حق و مبارزه با باطل و ستم وا دارد: «آیا حق را نمی‌بینید که به آن عمل نمی‌شود و باطل را که از آن نهی نمی‌گردد تا مؤمن در ملاقات خدایش رغبت نماید و من مرگ را جز سعادت و زندگی با ستمگران را جز خواری نمی‌بینم».^۱

۴. آزادی خواهی

آزادی خواهی برخاسته از فطرت و طبیعت انسان است و منحصر به زمان و مکانی خاص نیست. همه مبارزان جهان، مدعی آزادی خواهی هستند؛ حتی مستبدان خود را آزادی خواه معرفی می‌کنند. در برابر آزادی، ذلت قرار دارد. جامعه‌ای که هر گونه شرایط ناگوار را بپذیرد، جامعه‌ای مرده و خفقان‌زده

۱. ابن شهر آشوب؛ مناقب آل ابی طالب علیهم السلام؛ ج ۴، ص ۶۸.

است. در چنین جوی هر صدای مخالفی، به شدت سرکوب می‌شود. امام حسین علیه السلام برای آزادی تلاش کرد و در دوران خفقان معاویه، به شهادت حجر بن عدی اعتراض نمود.^۱ پس از معاویه، فرزندش یزید بر اریکه قدرت تکیه زد و دیگران را مجبور به پیروی و بیعت از خود نمود و آنان را به مرگ تهدید کرد. امام حسین علیه السلام نگران بود این تهدید در مکه اجرا و حرمت حرم الهی شکسته شود. از این رو با دعوت مردم کوفه، به سوی آن دیار حرکت کرد. یزید بن معاویه با انتصاب عبیدالله بن زیاد به امارت کوفه، مانع ورود امام حسین علیه السلام به کوفه شد. عبیدالله نیز در گفت‌وگوی عمر بن سعد فرمانده سپاهش با امام علیه السلام، از حضرت خواست با یزید بیعت کند. امام علیه السلام در پاسخ به این درخواست، خواری را از خود دور دانست و ندای آزادی سر داد و فرمود: «شگفتا! زنازاده (عبیدالله) فرزند زنازاده مرا بین یکی از دو امر مجبور کرده است، بین مرگ و ذلت (تسلیم) و هیهات که ما خواری را بپذیریم، خداوند و پیامبرش و مؤمنان از آن اجتناب می‌کنند».^۲

امام علیه السلام پذیرش خواری را طبق منطق خداوند و رسول صلی الله علیه و آله رد کرد و خاندان‌های پاک و طاهر را از آن به دور دانست. از همین رو بود که گاندی رهبر نهضت رهایی‌بخش هند می‌گفت: «اگر هندوستان بخواهد یک کشور پیروز گردد، بایستی از سرمشق امام حسین علیه السلام پیروی کند».^۳ زیرا امام حسین علیه السلام هر گونه ذلتی را رد کرد و برای عزت و آزادی جامعه، جان داد.

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الأنوار؛ ج ۴۴، ص ۲۱۲-۲۱۳.

۲. علی بن موسی ابن طاووس؛ اللهوف علی قتلی الطفوف؛ ترجمه احمد فهری زنجانی؛ ص ۹۷.

۳. سید عبدالکریم هاشمی نژاد؛ درسی که حسین علیه السلام به انسان‌ها آموخت؛ ص ۲۸۹.

امام علیه السلام در بحبوحه نبرد روز عاشورا، سپاه دشمن را به آزادی خواهی دعوت کرد و با صدای بلند به آنان فرمود: «وَيْلَكُمْ يَا شَيْعَةَ آلِ أَبِي سُفْيَانَ إِنَّ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ دِينٌ وَ كُنْتُمْ لَا تَخَافُونَ الْمَعَادَ فَكُونُوا أَحْرَارًا فِي دُنْيَاكُمْ»^۱ وای بر شما ای پیروان آل ابی سفیان! اگر دین ندارید و از معاد نمی ترسید، در دنیایتان آزاد مرد باشید».

این سخن امام علیه السلام، پیامی جاودانه برای تاریخ است که همه افراد با هر عقیده و نژادی، باید از آن درس بیاموزند.

۵. عدالت خواهی

عدالت، از ارزش های انسانی است که آزادی خواهان جهان در طول تاریخ به دنبال آن بوده و برای رسیدن به آن با ستمگران مبارزه کرده اند. خداوند مردم را به عدل و نیکی فرمان می دهد: «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ»^۲ عدل و قسط مرادفند. انصاف در داوری و معامله نیز مترادف با عدالت را می رساند. خداوند پیامبران خود را برای رسیدن به عدالت اجتماعی فرستاده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ»^۳ به تحقیق پیامبران خود را با بینات فرستادیم و با آنان کتاب و میزان را فرستادیم تا مردم به اجرای عدالت اقدام کنند».

عوامل بنیادین حکومت عدل سه چیز است: قانون عادلانه، حاکم عادل و مردم عدالت خواه. اگر در هر یک خللی ایجاد شود، امکان تحقق عدالت

۱. علی بن موسی ابن طاووس؛ *التهوف علی قتلی الطفوف*؛ ترجمه احمد فهری زنجانی؛ ص ۱۲۰.

۲. نحل: ۹۰.

۳. حدید: ۲۹.

ضعیف است. قوانین اسلام برای تحقق عدالت در جامعه وضع شده‌اند. از اهداف پیامبران برپایی عدالت اجتماعی توسط مردم است. تنها قانون خوب کافی نیست؛ بلکه مردم باید خود خواهان عدالت باشند. چنانچه حاکم عادل نباشد، امکان تحقق عدالت وجود ندارد؛ زیرا مردم تابع حاکم هستند.^۱ امام علی علیه السلام فرموده است: «اصلاح حکومت و اجرای قوانین اسلامی جز با امام عادل میسر نیست».^۲

امام حسین علیه السلام که خلیفه وقت را صالح برای حکومت نمی‌دانست، تلاش کرد وجدان مردم را برای تحقق عدالت بیدار کند. حضرت راه تحقق عدالت را مبارزه از طریق امر به معروف و نهی از منکر در دفاع از مظلوم و مبارزه با ستمگر می‌دانست و فرمود: «امر به معروف و نهی از منکر، دعوت به اسلام و بازگرداندن حقوق ستمدیدگان و مخالفت با ستمگر است».^۳ امیرمؤمنان علیه السلام نیز در نامه‌ای به کارگزار خود، جنگ با معاویه را که رئیس قاسطین (ستمگران) بود، مصداق امر به معروف و نهی از منکر معرفی کرد.^۴ بر خلاف امروز که منکر را بسیار جزئی تصور می‌کنیم، امام علیه السلام حاکم فاسد را مصداق منکر می‌دانست. امام حسین علیه السلام در وصیت‌نامه خود، یکی از اهدافش را امر به معروف و نهی از منکر و اصلاح جامعه دانسته و محور کار حاکم را عدالت و یکی از شرایطش را اقدام به عدل معرفی کرده است که یزید با آن فرسنگ‌ها فاصله داشت. در پایان نامه‌ای که توسط مسلم بن

۱. محمد بن حسین الشریف الرضی؛ نهج البلاغه؛ تصحیح صبحی صالح؛ ص ۳۳۳، خطبه ۲۱۶.

۲. محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۸۶، ص ۲۵۶.

۳. ابن شعبه حرانی؛ تحف العقول؛ ص ۲۳۷.

۴. نصر بن مزاحم؛ وقعتہ صغین؛ ص ۱۰۵.

عقیل، نماینده خود به مردم کوفه ارسال کرد کسی را شایسته می‌داند که چهار شرط داشته باشد: «فَلَعَمْرِي مَا الْإِمَامُ إِلَّا الْحَاكِمُ بِالْكِتَابِ الْقَائِمُ بِالْقِسْطِ الدَّائِنُ بِدِينِ الْحَقِّ الْحَابِسُ نَفْسَهُ عَلَى ذَاتِ اللَّهِ وَالسَّلَامُ»^۱ به جان خودم سوگند، امام و پیشوا نیست جز آن کس که به کتاب خدا در میان مردم حکم کند و به دادگستری و عدالت به پا خیزد و به دین حق دینداری نماید و خود را در آنچه مربوط به خداست، نگهداری کند».

آنچه امام علیه السلام در این نامه آورده است، مخصوص به زمان خاصی نیست؛ بلکه معیارهایی برای شناخت حاکمان به حق و عادل در تمام زمان‌ها و مکان‌ها و در طول تاریخ است. در برابر لشکر حرّ به روشنی بیان کرد که لازم است در برابر خلاف‌های حاکم ستمگر ایستاد و با ستمش مبارزه کرد و آنگاه خود را شایسته‌ترین فردی دانست که این وضعیت را دگرگون کند: «آگاه باشید که این مردم با پیروی از شیطان ملازم او هستند. طاعت خداوند رحمان را رها کرده و فساد را آشکار نموده‌اند، حدود الهی را تعطیل کرده و بیت‌المال را به خود اختصاص داده و حرام خدا را حلال و حلال او را حرام کرده‌اند و من سزاوارترین افراد به دگرگونی و اعتراض هستم».^۲

امام حسین علیه السلام در این خطبه، ملاک‌های حاکم ستمگر را بیان کرده و آنگاه نشانه‌های فساد و ستم را در حکومت یزید بر شمرده و وظیفه همه را اعتراض به وضع موجود برای رسیدن به عدالت دانسته است. در نامه به مردم بصره نیز تصریح کرد که سنت، مرده و بدعت، زنده شده است.^۳ افراد

۱. محمد بن محمد مفید؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲، ص ۳۹.

۲. همان، ص ۴۰۴.

۳. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ الطبری؛ ج ۵، ص ۳۵۷.

عدالت خواه باید در چنین مقطعی به قیام برخیزند. بی جهت نیست که دانشمندی غربی عدالت را از اصول نهضت حسینی می شمرد و می گوید: «درس امام حسین علیه السلام و هر قهرمان شهید دیگری، این است که در دنیا اصول ابدی عدالت و ترحم و محبت وجود دارد که تغییرناپذیرند»^۱.

۶. حفظ کرامت انسانی

کرامت، حق طبیعی انسان است. خداوند بنی آدم را گرامی و با کرامت قرار داد،^۲ اما بسیاری به این حق، توجه نمی کنند و کرامت افراد را در برخوردها و رفتار خویش مورد توجه قرار نمی دهند. نهضت حسینی از جهتی تبلوری از حفظ کرامت انسان در برابر انسانی بوده که برای دیگران ارزش قائل نبود. وقتی مسلم بن عقبه به مدینه حمله کرد، از مردم مدینه بیعت گرفت که برده یزید باشند.^۳ امام حسین علیه السلام شرایطی را که یزید تعیین کرده بود، به دور از کرامت می دانست. در برابر لشکر عمر بن سعد، دعوت کنندگان خود را نام برد و فرمود: «مگر شما نبودید که نامه نوشته و گفتید میوه ها رسیده و لشکری آماده وجود دارد، بیا». فردی به نام قیس گفت: «من چنین چیزی را نمی دانم جز اینکه تو باید حکم آنان را بپذیری». امام علیه السلام در پاسخ فرمود: «لَا وَاللَّهِ لَا أُعْطِيكُمْ بِيَدِي إِعْطَاءَ الدَّلِيلِ وَلَا أَفْرُقُ فِرَارَ الْعَبِيدِ»^۴؛ نه به خدا سوگند دست به دست شما نمی دهم مانند فرد خوار و نه هم از ترس، مانند بردگان فرار می کنم».

۱. سید عبدالکریم هاشمی نژاد؛ درسی که حسین علیه السلام به انسان ها آموخت؛ ص ۲۹۱.

۲. اسراء: ۷۰.

۳. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ الطبری؛ ج ۵، ص ۴۹۵.

۴. محمد بن محمد مفید؛ الارشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲، ص ۹۸.

امام حسین علیه السلام که متخلق به اخلاق کریمانه بود، دیگران را به کسب مکارم اخلاق دعوت می کرد: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ تَأَفُّسُوا فِي الْمَكَارِمِ»^۱ ای مردم! در به دست آوردن مکارم اخلاق بر یکدیگر سبقت بگیرید». برخورد کریمانه با دیگران و حفظ کرامت انسانی افراد در نهضت حسینی، نمونه های متعددی دارد. اهل بیت علیهم السلام خاندانی با کرامت بودند و با دیگران بزرگووارانه رفتار می کردند. نشانه تجلی آن در واقعه کربلا به خوبی دیده می شود. بر خلاف یزید که آزادگان را برده خود قرار می داد، امام حسین علیه السلام با موالی (غلامان) خود به گونه ای مهربانانه رفتار می کرد که با آزاد مردان رفتار می نمود؛ از این رو آنان نه از این خاندان جدا نمی شدند؛ بلکه در واقعه کربلا جمعی از آنان با شهادت خود این بزرگواری را تلافی کردند. بعد از هیجده نفر بنی هاشم، موالی با شانزده نفر، بیشترین جمعیت شهید را داشتند.^۲ در میان آنان برده آفریقایی مانند جون غلام ابوذر،^۳ اسلم بن عمرو ترک^۴ و نصر بن ابی نيزر اهل فارس بودند^۵ که در راه یاری امام به شهادت رسیدند.

از دیگر موارد کرامت امام علیه السلام، برخوردش با لشکر حرّ است. زمانی که سپاه حرّ به سپاه امام علیه السلام رسید، امام و لشکریانش، آنها و حیواناتشان را آب دادند.^۶ این، اوج بزرگواری است؛ اما سپاه کوفی با نامردی تلافی کرده و آب را بر

۱. محمد باقر مجلسی؛ بحار الانوار؛ ج ۷۵، ص ۱۲۱.

۲. علی اکبر ذاکری؛ «امام حسین علیه السلام و چرایی انتخاب کوفه»؛ پگاه حوزه، شماره ۲۹۶، بهمن ۱۳۸۹.

۳. محمد سماوی؛ ابطار العین فی انصار الحسین علیه السلام؛ ص ۱۷۶.

۴. همان، ص ۹۵.

۵. همان، ص ۹۷.

۶. محمد بن محمد مفید؛ الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد؛ ج ۲، ص ۷۸.

حضرت بستند.^۱ امام علیه السلام با دشمنان، برخوردی کریمانه داشت؛ حتی اگر آنان توهین می کردند. عمرو بن قرظۀ از یاران امام علیه السلام بود که به شهادت رسید. برادرش علی بن قرظۀ که در سپاه عمر بن سعد بود، به حضرت گفت: «ای دروغگو فرزند دروغگو! برادرم را گمراه کردی، او را فریفتی و به کشتن دادی». امام علیه السلام بی آنکه نسبت به وی بد اخلاقی کند یا از کلمات تند استفاده نماید، فرمود: «خداوند برادرت را گمراه نکرده؛ بلکه او برادرت را هدایت کرده و تو را گمراه نموده است».^۲

نتیجه گیری

امام حسین علیه السلام اهداف عالی را تعقیب می کرد و آنچه در قیام کربلا اتفاق افتاد، در زمان و مکان خاصی نمی گنجد و برای تمام مردم در طول تاریخ، درس آموز است. معنویت بر اردوگاه امام حسین علیه السلام حاکم بود. او و یارانش در صدد اجرای حق و تحقق عدالت بودند. به مردم درس آزادی و کرامت داده و با فداکاری خود تلاش نمودند وجدان های خفته را بیدار کنند و جامعه را برای رسیدن به حق و عدل به تکاپو وا دارند. آنان در طول مسیر حرکت خود، به ارزش های دینی پایبند بوده و بر خلاف دشمنان قدمی از مسیر حق عقب نشینی نکردند. جان دادند تا آزادی و عدالت را آبیاری کرده و حق را اجرا و ارزش ها را استحکام بخشند. به مردم جهان درس عزت و آزادگی بیامورند و تن زیر بار ذلت و ستم ندهند و با خون خویش هدف خود را امضا نمودند. به جهت پایبندی به همین ارزش هاست که هر سال

۱. علی بن عیسی اربلی؛ کشف الغمه؛ ج ۲، ص ۴۷.

۲. محمد بن جریر طبری؛ تاریخ الطبری؛ ج ۵، ص ۴۳۴.

میلیون‌ها انسان با عزاداری در ایام عاشورا، یاد امام حسین علیه السلام را گرامی می‌دارند و در راهپیمایی اربعین از ملیت‌ها، نژادها و ادیان مختلف حضور می‌یابند تا یادش را گرامی دارند و خاطره شهادتش را حفظ و آرمان‌هایش را زنده نگهدارند.